اندیشه اخلاقی

**وحید غیاثی**؛ پژوهشگر حوزه اخلاق

## ظلم نکرده و دهان سوخته!

زیاده‌خواهی انسان‌ها قدمتی به بلندای تاریخ بشریت دارد. در فرازی از خطبه ۱۵۱ نهج‌البلاغه آمده است: به پیشگاه الهی قدم گذارید درحالی که مظلوم هستید و به پیشگاه او قدم نگذارید درحالی که ظالم هستید. در دستگاه ظلم سه گروه اصلی وجود دارد: ظالم، منظلم (تن به ظلم می‌دهد) و مظلوم. گروه دوم در دستگاه ظلم که کمتر به آنها توجه می‌شود، ظلم‌پذیران هستند. اگر اینها تن به ظلم نمی‌دادند، ظالمان ترغیب به ظلم نمی‌شدند. بنابراین اینها به نوعی خودشان ظالم‌اند. و بزرگ‌ترین برنامه ظالمان این است که ملت‌ها را «منظلم» بار بیاورند. شیوه‌های انظلام در طول تاریخ براساس موقعیت و شرایط جوامع انسانی متفاوت بوده‌است. شاید نخستین صف‌آرایی و دسیسه‌پردازی هوشمندانه به یونان باستان برگردد. در تاریخ فلسفه می‌خوانیم جریان فکری سوفسطائیان را که با علم و اخلاق مبارزه کردند و سقراط و افلاطون و ارسطو آنها را شکست دادند. تحریف کنندگان تورات و انجیل هم شمشیر قلم‌هایشان بر پیکر علم و دانش نشست. آنجا که میوه ممنوعه را علم نامیدند. حال آنکه خداوند می‌فرماید: «و علّم الآدمَ الأسماءَ کلّها»(بقره/۳۱). از اینجا روشن می‌شود که چرا خداوند هدف از برانگیختن پیامبر گرامی اسلام را اخلاق و علم بیان کرده و می‌فرماید: اوست که در میان مردم بی‌سواد، پیامبری از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و آنان را [از آلودگی‌های فکری و روحی] پاکشان کند و به آنان کتاب و حکمت بیاموزد (جمعه/۲).

در نخستین سال‌ها پس از رحلت پیام‌آور مهر و رحمت دست‌های آلوده به قدرت نامشروع، مردمانی را که هنوز الفبای اسلام را نیاموخته بودند، املای جبرگرایی کردند. این حربه، هم قدرت‌شان را مشروعیت می‌بخشید و هم دورافتادگان از سرچشمه عترت را بیش از قبل تحمیق می‌کرد.

در عصر حاضر که از زیر خاکسترهای تنور اخلاق و علم شعله‌هایی سر برآورد، تغییر استراتژی داده و امپراتوری رسانه‌های‌شان قدرت‌هایی بزرگ و شکست‌ناپذیر از آنها ساخت. طی سال‌های گذشته مخصوصا پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، تفکر لیبرالیسم سعی کرد نظام تک‌قطبی غرب را در جهان با محوریت ابرقدرت بودن آمریکا به مردم دنیا بقبولاند و با در دست گرفتن رسانه‌های دنیا هر روز این مطلب را به گونه‌ای مطرح کند و در ذهن مخاطبان بگنجاند. خدای متعال در قرآن کریم با هشداردادن در مورد این تاکتیک دشمن اینگونه می‌فرماید: در حقیقت این شیطان است که دوستانش را می‌ترساند؛ پس اگر مؤمن هستید از آنان نترسید و از من بترسید (آل‌عمران/۱۷۵).

آنها که بر امواج دریای جهل موج‌سواری می‌کنند، هر بار سر انسان‌ها را به‌نحوی زیر آب فرو می‌برند. این‌بار با ترویج حس بی‌تفاوتی و فردگرایی در جوامع، اعضای پیکر بنی‌آدم را مثله کردند. این بی‌تفاوتی تا جایی پیش‌رفت که سپتامبر ۱۹۸۸ پس از جنایت تجاوز به یک زن در ایستگاه پرتردد مترو شیکاگو، همان ارباب رسانه وقتی فهمیدند عابران در برابر فریادهای کمک خواهی آن زن بی‌تفاوت از کنارش عبور کرده‌اند، به یک‌بار سر از زیر برف بیرون آورده و در پی تدبیر خود کرده برآمدند. و آخر سر هم راه نجات را در قانون الهی امر به معروف و نهی از منکر یافتند (کتاب امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی نوشته مایکل کوک).

**در نخستین سال‌ها پس از رحلت پیام‌آور مهر و رحمت دست‌های آلوده به قدرت نامشروع، مردمانی را که هنوز الفبای اسلام را نیاموخته بودند، املای جبرگرایی کردند. این حربه، هم قدرت‌شان را مشروعیت می‌بخشید و هم دورافتادگان از سرچشمه عترت را بیش از قبل تحمیق می‌کرد**

بزرگ‌ترین راهی که می‌توانند انسان‌ها را بی‌تفاوت کنند، کشاندن به سمت ابتذال است. انسان معاصر به نحوه‌هایی از زیستن میل پیدا کرده که در آن نشانه‌های ابتذال و بی‌هویتی موج می‌زند. برخی از علوم مدرن نیز از این ابتذال بی‌بهره نبوده‌اند. اندیشمندان این علوم نظریه‌هایی را در باب خدا، حقیقت انسان و جهان مطرح کرده‌اند که در نوع خود جزو فرومایه‌ترین نظریه‌های علمی است. گرایش به مذهب را ازاییده جهل دانستن و مذهب را سبب از خودبیگانگی به‌شمار آوردن و قراردادن انسان از نسل میمون، نمونه‌هایی از این اندیشه‌های پوچ است. نمود ظاهری ابتذال در فرهنگ بشری را می‌توان در لباس‌ها و انواع مدل‌های پوشش به‌راحتی مشاهده کرد. این سبک جدید از پوشش که در همه جوامع شرقی و غربی با تفاوت درجه نفوذ پیدا کرده، بیانگر تلاطم درونی و تزلزل هویتی است که در کسوت ظاهری افراد ظهور پیدا کرده‌است.

شاید سومین حربه فراعنه عصر ما ایجاد اشتباه در تشخیص دشمن باشد؛ دشمن جلوه دادن دوست و دوست جلوه دادن دشمن است. مثل جنگ بین شیعه و سنی یا راه‌اندازی فرقه‌ها و به جان هم انداختن آنها. بنابراین از اساسی‌ترین شرایط موفقیت در تمامی عرصه‌ها، شناخت دشمن است. انسان ضربه‌های فراوانی از دشمن ناشناخته خود خورده‌است. به‌عنوان نمونه انسان از زمانی که دشمنی به نام میکروب را شناخت به آسانی توانست در پی دفع آن برآید و همو چون نتوانسته سرطان را بشناسد هرروز قربانی‌های فراوانی در این عرصه می‌دهد. در عرصه مسائل سیاسی و اجتماعی نیز شناخت دشمن نقش مهم و کلیدی دارد. بر این اساس است که بخش عظیمی از آیات قرآن مربوط به معرفی دشمن است؛ معرفی شیطان، دشمنان انبیاء، کفار، مشرکان و منافقان است. در روایتی از پیامبر گرامی اسلام(ص) می‌خوانیم: «آگاه باشید عاقل‌ترین مردم کسی است که خدایش را بشناسد و از او پیروی کند و دشمنش را نیز بشناسد و آنگاه نافرمانیش کند.» در نهج‌البلاغه شناخت دشمن را رمز بینش می‌داند: «و بدانید که رشد در نمی‌یابید مگر که رشد وانهادگان را بشناسید و هرگز به کتاب خدا چنگ نمی‌زنید، مگر کسه فروفکننده آن‌را چنان که باید شناخته باشید.»

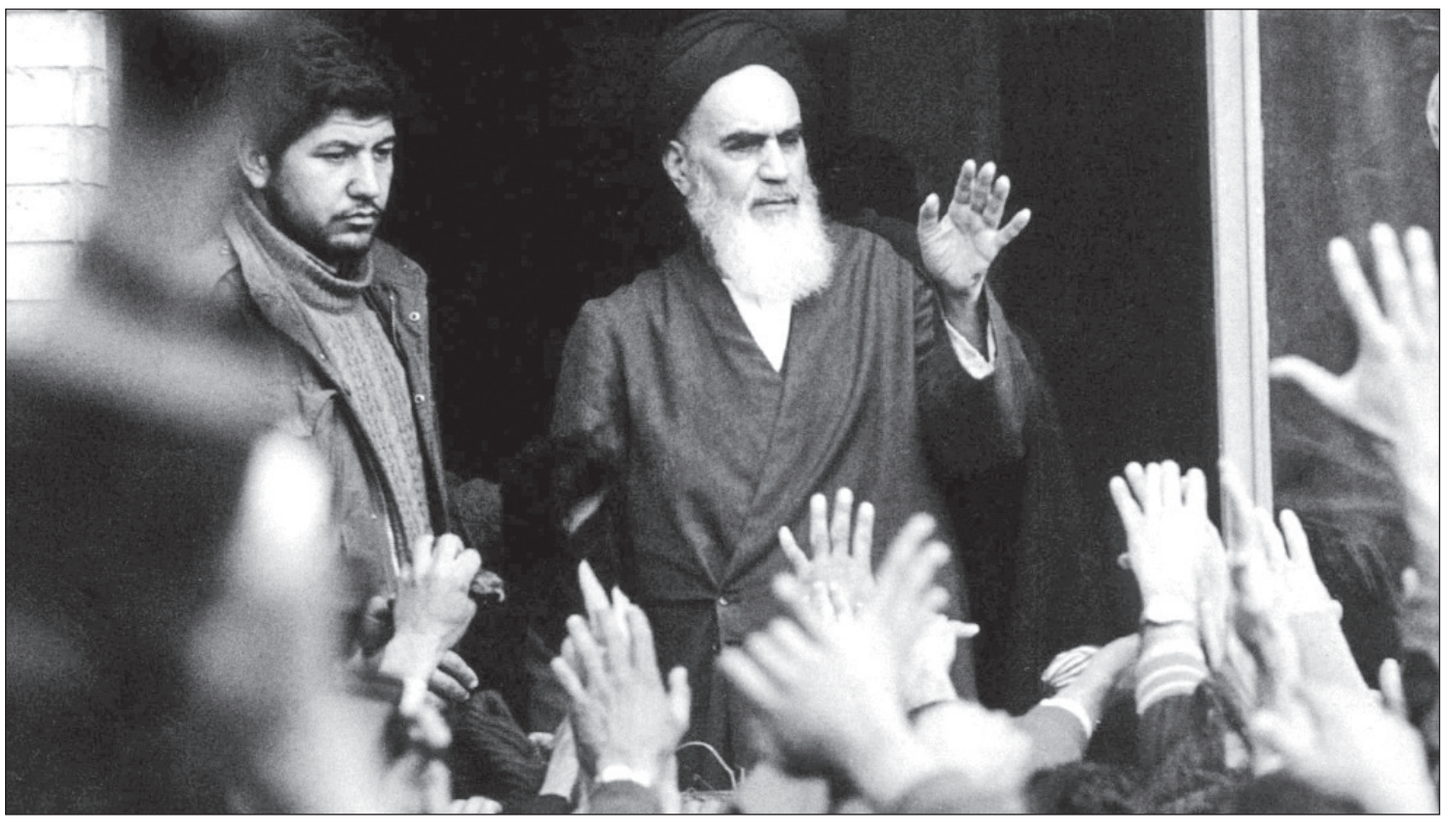

# منشور مقاومت

## مروری بر پیام مهم حضرت امام خمینی(ره) به مهاجران جنگ تحمیلی و دشمن‌شناسی ایشان

اندیشه انقلاب اسلامی

**در تاریخ ۲فروردین ۱۳۶۸امام خمینی(ره) پیامی خطاب به مهاجران جنگ تحمیلی صادر کردند که همان زمان برای عامه مردم نیز حاوی پیام‌های مهمی بود. متن پیش رو، مواضع مهم حضرت امام(ره) را درباره مسائل مهم کشور در مواجهه با دشمن، مورد طرح و بررسی قرار داده و به نوعی، منشور مقاومتی است که امام خمینی(ره) طی آن سعی دارد مردم و مسئولان را نسبت به حوادث آن روز آگاه سازد. این پیام مهم، دشمن‌شناسی ویژه‌ای دارد که خواندن آن برای امروز ما ضروری است. در ادامه، اصل پیام را مورد بازخوانی قرار داده و با اندکی تلخیص، تقدیم نگاه مخاطبان می‌کنیم.**

امام خمینی(ره) در همان سخنان آغازین پس از سلام و درود، مسئله صدمات روحی، جسمی و مالی مهاجران را مورد توجه قرار داده و در باب اینکه جمهوری اسلامی بنا دارد ذره‌ای از آن خسارات را در قالب ساخت خانه و روستا و شهر جبران کند، مطالبی را عنوان می‌کنند؛ «سلام بر ملت بزرگ ایران که با فداکاری و ایثار و شهادت، راه ظهورش را هموار می‌کنند و سلام بر شما خواهران و برادران مهاجر که بدون شک در جنگ تحمیلی از کسانی هستید که صدمه فراوان روحی و جسمی و مالی خورده‌اید. شما عزیزان در زمان یورش وحشیانه صدام پس از روزها دفاع قهرمانانه، اضطرارا محل زندگی و راحتی خود را ترک نموده و حقیقتا به زندگی پرمشقت در نقطه‌ای دور از خانه و کاشانه خویش تن داده‌اید. شما مهاجرین عزیز جنگ تحمیلی، لحظه‌لحظه جنگ و سختی‌های آن را درک کرده‌اید. ان‌شاءالله جمهوری اسلامی در آینده‌ای نه‌چندان دور شهرها و روستاهای شما را بهتر از قبل در اختیار شما خواهد گذاشت؛ ولی باید خود به کمک مسئولان آمده و در نوسازی و مهیاسازی شهر و روستاهاتان آنان را یاری نمایید. بحمدالله فرزندان خردسال آن روز شما، امروز جوانانی شده‌اند که مانند سایر برادران و خواهران خود از میهن اسلامی‌شان دفاع خواهند کرد.»

### اسلام عزیز؛ مهم‌ترین انگیزه مردم

در ادامه پیام، ایشان مهم‌ترین نیت و انگیزه مردم، به‌ویژه ساکنان شهرهای مرزی را در یک جمله اینگونه بیان می‌کنند: «همه می‌دانند که تحمل هشت سال فشار و سختی فقط برای اسلام عزیز بوده است.»

سپس از این گزاره استفاده کرده و ضرورت ایستادگی مسئولان در برابر دشمن را یادآور می‌شوند؛ چراکه مردم نشان داده‌اند هر سختی‌ای را برای اسلام، تحمل می‌کنند؛ پس نباید پشت نام مردم پنهان شد و با عنوان «عدم‌همراهی مردم»، مقاومت در برابر دشمن را شکست. ایشان می‌فرمایند: «لذا مسئولین باید در دفاع از اسلام، محکم‌تر از همیشه با تمام توان در مقابل تجاوز نظامی، سیاسی و فرهنگی جهان‌خواران بایستند؛ چراکه امروز دنیای استکبار خصوصا غرب، خطر رشد اسلام ناب محمدی ـ صلی‌الله علیه و آله و سلم ـ را علیه منافع نامشروع خود درک کرده است.»

سپس موضوع دشمنی غرب و شرق را هم خود «اسلام» و ظرفیتی که برای ارائه نسخه‌های بدیل به جهان عرضه می‌کند، می‌دانند؛ «امروز غرب و شرق به‌خوبی می‌دانند که تنها نیرویی که می‌تواند آنان را از صحنه خارج کند، اسلام است.»

### دشمن‌شناسی امام خمینی(ره)

امام(ره)، شیوه‌های متعدد دشمنی با اسلام و ایران را اینگونه تحلیل می‌کنند که جای بسی تامل دارد و برای امروز ما بسیار عبرت‌انگیز است: «آنها در این ۱۰ سال انقلاب اسلامی ایران ضربات سختی از اسلام خورده‌اند و تصمیم گرفته‌اند که به هر وسیله ممکن آن را در ایران که مرکز اسلام ناب محمدی است نابود کنند. اگر بتوانند با نیروی نظامی، اگر نشد، با نشر فرهنگ مبتذل خود و بیگانه کردن ملت از اسلام و فرهنگ ملی خویش و اگر هیچ‌کدام از اینها نشد، ایادی خودفروخته خود از منافقین و لیبرال‌ها و بی‌دین‌ها را که کشتن روحانیون و افراد بی‌گناه برایشان چون آب‌خوردن است و در منازل و مراکز ادارات نفوذ می‌دهند که شاید به مقاصد شوم خود برسند. و نفوذی‌ها بارها اعلام کرده‌اند که حرف خود را از دهان ساده‌اندیشان موجّه می‌زنند.»

### معیار دشمنی و دوستی

در همین راستا، بعد از طرح موضوع دشمنی، موضوع دوستی را هم با دادن معیار، با زبانی ساده بیان می‌کنند تا مرزها به‌خوبی و وضوح، روشن شود؛ «من بارها اعلام کرده‌ام که با هیچ‌کس در هر مرتبه‌ای که باشد عقد اخوت نبسته‌ام. چهارچوب دوستی من در درستی راه هر فرد نهفته است. دفاع از اسلام و حزب‌الله، اصل خدشه‌ناپذیر سیاست جمهوری اسلامی است. ما باید مدافع افرادی باشیم که منافقین، سرهاشان را در مقابل زنان و فرزندانشان در سر سفره افطار، گوش تا گوش بریدند. ما باید دشمن سرسخت کسانی باشیم که پرونده‌های همکاری آنان با آمریکا از لانه جاسوسی بیرون آمد. ما باید تمام عشقمان به خدا باشد نه تاریخ. کسانی که از منافقین و لیبرال‌ها دفاع می‌کنند، پیش ملت عزیز و شهیدداده ما راهی ندارند. اگر ایادی بیگانه و ناآگاهان گول‌خورده که بدون توجه بلندگوی دیگران شده‌اند، از این حرکات دست برندارند، مردم ما آنها را بدون هیچ‌گونه گذشتی، طرد خواهند کرد.»

### انقلابی که محدود به ایران نیست

نکته جالب توجه آنکه امام(ره) صف مردم را از صف افرادی که فریب دشمن را خورده یا تبدیل به بلندگوی آنها شده‌اند و برای کشور هزینه می‌تراشند جدا ساخته و البته در عین حمایت از مردم و صاحبان اصلی انقلاب اسلامی، خطاب به مسئولان صریحا گوشزد می‌کنند: «مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت ـ ارواحنافداه ـ است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد.»

اینگونه امام خمینی(ره) مسئولان را نه صرفا در برابر مردم ایران که در برابر هر دلبسته انقلاب و ظهور امام زمان(عج)، مسئول دانسته و در ادامه هم بر این باور تأکید می‌کنند که مشکلات داخلی ما نباید ما را نسبت به اهداف بلند جهانی سست کند؛ «مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه‌ای مسئولین را از وظیفه‌ای که بر عهده دارند منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به‌دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است منصرف کند.»

### عبور از مانعی به نام فشارهای اقتصادی

اما لاجرم ایستادگی با شرایط اقتصادی نامناسب، سخت‌تر خواهد شد و امام(ره) برای آنکه به مردم، این پیام را بدهد که از سختی‌ها آگاه است، مردم را هم به انگیزه‌های الهی گره می‌زند و از دادن وعده‌های عجیب و غریبی که بعضا مسئولان، گرفتار آن هستند، استفاده ابزاری نمی‌کند. ایشان مردم را به عنوان پشتوانه اصلی حکومت قلمداد کرده که بدون آنها اجرای هیچ‌یک از اهداف بلند انقلاب اسلامی میسر نیست؛ لذا می‌فرماید: «مردم عزیز ایران که حقا چهره منوّر تاریخ بزرگ اسلام در زمان معاصرند، باید سعی کنند که سختی‌ها و فشارها را برای خدا پذیرا گردند تا مسئولان بالای کشور به وظیفه اساسی‌شان که نشر اسلام در جهان است برسند و از آنان بخواهند که تنها برادری و صمیمیت را در چهارچوب مصلحت اسلام و مسلمین در نظر بگیرند. چه کسی است که نداند مردم عزیز ما در سختی هستند و گرانی و کمبود بر طبقه مستضعف، فشار می‌آورد؟ ولی هیچ‌کس هم نیست که نداند پشت کردن به فرهنگ دوّل دنیای امروز و پایه‌ریزی فرهنگی جدید بر مبنای اسلام در جهان و برخورد قاطع اسلامی با آمریکا و شوروی، فشار و سختی و شهادت و گرسنگی را به‌دنبال دارد و مردم ما این راه را خود انتخاب کرده‌اند و بهای آن را هم خواهند پرداخت و بر این امر هم افتخار می‌کنند. این روشن است که شکستن فرهنگ شرق و غرب، بی‌شهادت میسر نیست.»

### توصیه مسئولان به نترسیدن

همچنین امام(ره) گویی از جانب مردم، با خیال راحت‌تری سخن می‌گویند و در طرف مقابل به مسئولان که رویه دیگر سکه مقاومت هستند، با لحن دیگری به موعظه می‌پردازند: «من بار دیگر از مسئولین بالای نظام جمهوری اسلامی می‌خواهم که از هیچ‌کس و از هیچ‌چیز جز خدای بزرگ نترسند و کمرها را ببندند و دست از مبارزه و جهاد علیه فساد و فحشای سرمایه‌داری غرب و پوچی و تجاوز کمونیسم نکشند که ما هنوز در قدم‌های اول مبارزه جهانی خود علیه غرب و شرقیم.»

سپس نهایت کاری که دشمن می‌تواند در حق ایران بکند را با یک جهان‌بینی الهی اینگونه توصیف می‌کنند که نشان از حقارت دنیا در دیدگان این مرد بزرگ است و بنا دارد این زاویه‌دید را به همه منتقل کند:

«مگر بیش از این است که ما ظاهرا از جهانخواران شکست می‌خوریم و نابود می‌شویم؟ مگر بیش از این است که ما را در دنیا به خشونت و تحجر معرفی می‌کنند؟ مگر بیش از این است که با نفوذ ایادی قاتل و منحرف خود در محافل و منازل، عزت اسلام و مسلمین را پایکوب می‌کنند؟ مگر بیش از این است که فرزندان عزیز اسلام ناب محمدی در سراسر جهان بر چوبه‌های دار می‌روند؟ مگر بیش از این است که زنان و فرزندان خردسال حزب‌الله در جهان به اسارت گرفته می‌شوند؟ بگذار دنیای پست مادیت با ما چنین کند ولی ما به وظیفه اسلامی خود عمل کنیم.»

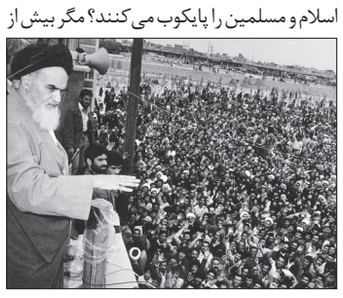

**امام خمینی(ره) صف مردم را از صف افرادی که فریب دشمن را خورده یا تبدیل به بلندگوی آنها شده‌اند و برای کشور هزینه می‌تراشند جدا ساخته و البته در عین حمایت از مردم و صاحبان اصلی انقلاب اسلامی، خطاب به مسئولان، صریحا گوشزد می‌کنند: «مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت. ارواحنافداه. است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد.»**

امام(ره) بار دیگر بیانات خود را در راستای مقاومت در مواجهه با شرق و غرب مادی گرا که کمر دشمنی را با اسلام و ایران بسته، به شکلی دیگر تکرار می‌کنند تا یک منشور مهم با موضوع مقاومت را به یادگار بگذارند؛ «امروز بیشتر از هر زمانی کینه و دشمنی استکبار علیه اسلام ناب محمدی برملا شده است. بسیج عمومی آنان در دفاع از یک خودفروخته و نویسنده مزدور گویای این واقعیت است و شاید آنان این‌همه فضاحت و بی‌آبرویی‌شان را به خاطر رسیدن به هدف شوم خود پیش‌بینی نکرده بودند که امروز با سرافکندگی و خواری، از کرده خود، پشیمان و با ذلت مراجعت می‌کنند.

### کدام آزادی؟

همچنین امام(ره) در حیطه مسائل زنان سعی دارند از باب هجوم وارد شده و دشمن را از این جهت در مقام پاسخگویی بنشانند و ابتکار عمل را به دست گیرند تا چهره منحوس نقاب‌زده دشمن را برملا سازند؛ «احتمالا قضیه مبارزه با حجاب زنان مسلمان در فضای آموزشی، حرکتی انحرافی برای کمرنگ کردن جلوه عظیم دفاع جهان اسلام از رسول اکرم ـ صلی‌الله علیه و آله و سلم ـ است. گرچه خود این واقعه هم از دردهایی است که ملت‌های اسلامی گرفتار آن شده‌اند که چگونه در دنیای به‌اصطلاح آزاد، الزام زنان و دختران مسلمان به رفع حجاب، عین دمکراسی است و فقط ما که گفته‌ایم کسی که به پیغمبر اسلام ـ صلی‌الله علیه و آله و سلم ـ توهین کند و اجماع فقهای مسلمین، فتوا به اعدام آن می‌دهند، خلاف آزادی است! راستی چرا دنیا در برابر کسی که اجازه ندهد تا دختران مسلمان به دلخواه خود با پوشش اسلامی در دانشگاه‌ها درس بخوانند یا تدریس کنند، ساکت نشسته است؟ جز این است که تفسیر و تأویل آزادی و استفاده از آن در اختیار کسانی است که با اساس آزادی مقدس مخالفند؟»

سپس دوباره نگاه توحیدی امام(ره) را در حیطه مبارزات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی می‌بینیم؛ با این بیان که «امروز خداوند ما را مسئول کرده است. نباید غفلت نمود. امروز با جمود و سکون و سکوت باید مبارزه کرد و شور و حال حرکت انقلاب را پابرجا داشت.»

### جنگ هویتی

امام(ره) این نزاع را هم نوعی جنگ هویتی قلمداد کرده و معتقدند با عقب کشیدن، دشمن زیاده‌خواه پیشروی خود را ادامه می‌دهد؛ «من باز می‌گویم همه مسئولان نظام و مردم ایران باید بدانند که غرب و شرق تا شما را از هویت اسلامی‌تان ـ به خیال خام خودشان ـ بیرون نبرند، آرام نخواهند نشست. نه از ارتباط با متجاوزان خشنود شوید و نه از قطع ارتباط با آنان، رنجور. همیشه با بصیرت و با چشمانی باز به دشمنان خیره شوید و آنان را آرام نگذارید که اگر آرام گذارید، لحظه‌ای آرامتان نمی‌گذارند.»

در پایان، باز امام خمینی(ره) به موضوع مهاجران برگشته و در حق آنها دعا می‌کنند؛ «از خداوند متعال می‌خواهم تا مهاجرین عزیزمان را هر چه زودتر به خانه و کاشانه خود برساند و تلخی غربت‌ها و سختی‌ها را به شیرینی مراجعتشان مبدل سازد.

در خاتمه لازم است از همه کسانی که از مهاجرین عزیز جنگ تحمیلی پذیرایی کرده و می‌کنند و همچنین از مسئولین محترم بنیاد مهاجرین که زحمات زیادی متحمل شده‌اند، تشکر و قدردانی نمایم. والسلام علیکم و رحمه‌الله و برکاته.»

اندیشه نیکان

## یک مشت خاک

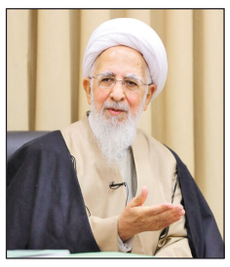

**آیت‌الله جوادی آملی:** اگر کسی بخواهد یک شمش طلا استخراج بکند، این خروارها خاک را باید زیر و رو بکند تا یک شمش طلا دربیاورد، و کار عاقلانه‌ای هم هست؛ آن زحمت را برای شمش طلا می‌کشد. فرمود: شما در کارهایتان، هر کاری که می‌خواهید بکنید؛ چه کارهای حوزوی و دانشگاهی باشد، چه خدمات سیاسی باشد، چه خدمات اجتماعی باشد، برای مردم بخواهید کار کنید، خیری برای کشور در اقتصاد و فرهنگ برسانید، هر کاری بخواهید بکنید؛ اینها نظیر شمش طلاست، اینها ارزش دارد و الهی است. ولی یک مشت خاک‌ها هم هست که اینها را باید غربال بکنید، به فکر این خاک‌ها نباشید. چه کسی اول آمده، چه کسی دوم آمده، چه کسی را با لقب صدا بکنیم، با چه لقب صدا بکنیم، به چه کسی بگوییم (آیت)، به چه کسی بگوییم (حجه)، به چه کسی بگوییم (عظمی)؛ فرمود: اینها بازی است. اینها همان خروارها خاک است که باید کنار بزنید، لابه‌لای اینها همان یک مشت طلاست که کار خیری است دارید انجام می‌دهید. اگر خدمت قرآنی است، خدمت به مردم است، بهزیستی است، بهداشتی است، کشاورزی است، دامداری است؛ همه اینها طلاست چون خدمت به جامعه اسلامی است. اما اینکه من اینجور هستم، من باید بگویم، نام مرا باید ببرند؛ فرمودند: «این‌ها همان یک مشت خاک است که خودتان را به آنها نفروشید.»

**بیانات معظم‌له در درس خارج تفسیر قرآن کریم مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۰۹**

کتاب اندیشه

## معرفی کتاب «شذرات‌المعارف»

شذرات المعارف گزیده‌های ناب اندیشه‌های مرحوم آیت‌الله شاه‌آبادی است که تأثیرپذیری امام خمینی(ره) از ایشان مشهور است و اهل علم او را با نام «فیلسوف فطرت» لقب داده‌اند. به گفته فرزند مرحوم شاه‌آبادی که شارح این کتاب است، شذرات‌المعارف خلاصه‌ای از اندیشه‌های مرحوم شاه‌آبادی به‌حساب می‌آید که در حوالی سال‌های حکومت استبدادی رضاخان نوشته شده است. این کتاب موجز از نثری آمیخته از فارسی و عربی رایج در مجامع علمی حوزوی آن دوران بهره‌برده است که مشابه آن را در متونی چون «اربعین حدیث» امام یا «تنبیه الامه و تنزیه المله» مرحوم نائینی و کتب بسیار دیگر می‌توان دید. بخش اول کتاب که با عنوان «الشذره الأولی: توضیح مرام الإسلام فی شفاء صدور الأنام» در کتاب آمده، با طرح مسئله ضعف و ذلت مسلمانان در شرایط کنونی آغاز می‌شود. ایشان در این آسیب‌شناسی معتقد است: «مدتی است مملکت اسلام به انتشار عقاید باطله و اخلاق رذیله و افعال قبیحه مبتلاست...» و سپس اظهار شگفتی می‌نماید که در همین حال می‌بینیم بسیاری از مسلمانان به‌طور مداوم از این وضعیت فقط اظهار تأسف کرده و عملا کاری انجام نمی‌دهند. لذا گام اول را اینگونه ذکر می‌نماید: «باید برای علاج مرض‌ها ابتدا آنها را شناخت.» بخش دوم کتاب با عنوان «الشذره‌الثانیه» شامل ۲۳ معرفت است که با توضیح ابعاد سیاسی دین آغاز می‌گردد و با شرح و بسط مفهوم اخوت اسلامی و ارکان و ابعاد آن ادامه می‌یابد.

معرفی اندیشمند

## شهید اول

«اول او را با شمشیر کشتند، بعد بر دار آویختند، سپس ساعت‌ها بر او سنگ زدند و آخر کار جنازه‌اش را هم سوزاندند.» اینها جملات شیخ حر عاملی است در وصف چگونگی شهادت مردی که امروز جامعه علمی شیعی او را با نام بلند «شهید اول» می‌شناسد. با آنکه مرحوم علامه امینی در کتاب شهداءالفضیله از زندگی ۱۳۰ تن از عالمان شهید نام برده که حدود ۴۰ نفر پیش از شهید اول به شهادت رسیده‌اند، اما چون تا آن زمان عالمی بزرگ در تراز شیخ شمس‌الدین محمد بن مکی عاملی اینگونه قساوت‌آلود به شهادت نرسیده بود، لقب شهید اول را به او اختصاص دادند. فکر می‌کنید بهانه کشتن چنین عالمی را حکومت ممالیک مصر که در شیعه‌ستیزی و شیعه‌کشی زبانزد تاریخی است، چگونه به‌دست آورد؟

فردی به نام «یوسف بن یحیی» که مخالفت جدی با شهید اول داشت، در یک توطئه جمعی، مطالب خلافی را با عنوان «فتواهای شمس‌الدین محمد» تنظیم کرد و صدها نفر بر آن شهادت دادند. برهان‌الدین مالکی که قاضی شام بود، ابتدا به شمس‌الدین فرصت توبه داد اما چون این توبه به‌معنای پذیرش اتهامات بود، شهید اول زیربار نرفت و سرانجام پس از مدتی افتادن در کنج زندان، دادگاه حکم قتل او را صادر کرد. شاید رمز و راز این توطئه‌چینی‌ها را باید در آرای خاص سیاسی-اجتماعی شهید اول جست‌وجو کرد. آنگاه که معتقد بود «چون منافع انسان‌ها باهم در تضاد است لذا باید حاسمی (قانونی) باشد و آن شریعت است و سائسی (حاکمی) که آن هم امام معصوم و یا نایب اوست.» یا آنکه وی «حکومت‌های مطلوب را حکومت پیامبر، حکومت امام و حکومت نایب‌الامام معرفی می‌کرد.» جالب و درس‌آموز آنکه از مهم‌ترین شاگردان شهید، همسر وی (ام‌علی) و دختر وی فاطمه مشهور به ست‌المشایخ (استاد استادان حدیث) بوده‌اند. دختر ایشان مجتهده بود و اجازه روایت از بزرگان داشت و پدر در احکام زنان، مردم را به ایشان رجوع می‌داد.

**منابع: شهید اول، القواعد و الفواید، مکتبه المفید، ج ۳، صص ۳۶-۳۸-۱۷۴؛ افندی، ریاض العلماء، مطبعه الخیام، ج۵، ص ۴۰۴؛ حر عاملی، أمل الآمل، مکتبه الاندلس، ج۱، ص ۱۹۳.**